

تاریخ وصول: ۱۳۹۴/۰۱/۱۸
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۴/۱۶

تأثیر بن لایه‌های انقلاب اسلامی ایران بر بیداری سیاسی، اجتماعی شیعیان لبنان

۳۷

دوفصلنامه مطالعات

بیداری اسلامی

تأثیر بن لایه‌های انقلاب اسلامی ایران بر بیداری سیاسی، اجتماعی شیعیان لبنان

علی حسینی و همکار

علی حسینی^{۱*}

سوسن قاسمی حیدری^۲

۱. استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه یاسوج، کهکیلویه و بویراحمد، ایران.

۲. مربی و دانش‌آموخته‌ی تاریخ دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

انقلاب اسلامی ایران و خاستگاه‌های بنیادین آن به عنوان نقطه‌ی آغاز خیزش بیداری اسلامی در نیمه دوم قرن بیستم، نوید بخش دوره‌ی جدیدی از ظهور اسلام بود. این انقلاب و آموزه‌های حیات بخش و طراوت ساز آن تأثیرات گسترده‌ای در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی و به ویژه در بین مسلمانان جهان داشت. در این میان به دلیل مشترکات اعتقادی و زمینه‌های مساعدی که بین ایران و شیعیان لبنان وجود داشت این تأثیرگذاری و تأثیر پذیری نمود آشکار تری دارد. عواملی همچون اقدامات روشنگرانه امام موسی صدر، اشغال جنوب لبنان به وسیله‌ی اسرائیل و محرومیت شیعیان آنجا؛ باعث شد تا لبنان به مناسب‌ترین محل برای رشد و توسعه‌ی افکار انقلابی شیعه تبدیل شود شیعیان این کشور به واسطه‌ی انقلاب اسلامی ایران، به لحاظ سیاسی و اجتماعی رشد قابل ملاحظه‌ای یافته و به تدریج نقش مؤثری را در تحولات سیاسی اجتماعی بر عهده گرفتند، این مقاله در صدد است تأثیر انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه‌های اساسی آن از قبیل: روحیات ایثارگری، جهادی، بسیجی، برابری، برادری، شهادت، یکسان‌نگری، موقعیت‌سازی، هویت‌یابی، عدالت‌باوری، تمایز و برتری‌نگری را بر بیداری سیاسی و خیزش بهاری شیعیان لبنان را، مورد بررسی و مذاقه قرار دهد.

واژگان کلیدی: بن لایه‌ها، انقلاب اسلامی ایران، شیعیان لبنان، بیداری اسلامی، رشد سیاسی و اجتماعی.

انقلاب اسلامی به لحاظ شرایط زمانی و مکانی، ماهیت و ابعاد آن، از اهمیت و اولویت بسیار بالایی برخوردار است. به همین سبب، شناخت آن برای عالمان و عاملان سیاست از لحاظ علمی، عملی و نظری و کاربردی جذابیت و مطلوبیت دارد. این انقلاب در شرایطی به وقوع پیوست که نظام جهانی به شدت متاثر از رابطه و رقابت دو ابرقدرت بود. وقوع انقلاب اسلامی در کشور ایران یک اتفاق عظیم و به قول رابین رایت تحلیل گر آمریکایی انقلاب کبیر بوده است. (Wright, ۲۰۰۰: ۲۰). انقلاب اسلامی ایران به عنوان یک انقلاب دینی در جهان غیرمذهبی مدرن، پدیده ای شگرف بود که به بازگشت عظمت دیرین دنیای اسلام می اندیشید. انقلاب با احیای تفکر اسلامی، نقش اسلام و مسلمانان را در عرصه های مختلف اجتماعی برجسته ساخته و عنصر هویت اسلامی را به عنوان واقعیتی پذیرفته شده در مقابل هویت غربی قرار داد.

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی، به گسترش موج بیداری اسلامی و تقویت نهضت‌های رهایی بخش در سراسر جهان اسلام کمک کرد. این انقلاب اسلامی نه تنها هویت اسلامی مسلمانان در لبنان را رویاروی غرب گرایان، به ویژه مسیحیان و مارونی ها تقویت کرد؛ بلکه هویت یابی مجدد امت اسلامی در پرتو خیزش و نهضت بیداری اسلامی منبعت از انقلاب اسلامی، یکی از دلایل جذابیت این انقلاب برای شیعیان لبنان بوده است. به جرأت می توان گفت که عامل اصلی تقویت "جنبش امل" پس از ناپدید شدن امام موسی صدر و یکی از دلایل اولیه تفکر و ایدئولوژی تأسیس حزب الله، ناشی از ایدئولوژی اسلامی بوده است؛ هر چند شیعیان لبنان با رهبری علمائی همچون علامه شرف الدین و امام موسی صدر، تلاش های بسیاری برای دستیابی به حقوق خود انجام دادند؛ موانع ایجاد شده از سوی دشمنان داخلی و خارجی، باعث شد که آنها به اهداف مورد نظر دست نیابند.

پیروزی انقلاب اسلامی ایران که هم زمان با ناپدید شدن امام موسی صدر بود، بسترساز احیای نهضت شیعی لبنان شد و شیعیان نیز با تأثیرپذیری از ایران در مقایسه با قبل از انقلاب، حالت فعال به خود گرفته و به تدریج با انتقال از حاشیه قدرت به مرکز ثقل تحولات، نقش فزاینده ای را در تحولات سیاسی اجتماعی لبنان بر عهده گرفتند. مسلمانان همه بلاد اسلامی از یک سو رنگ و بویی از جنبشهای قبلی خود را در انقلاب اسلامی دیده اند و با آن احساس نزدیکی و آشنایی می کنند و از سوی دیگر چون انقلاب اسلامی شکل، شعار و ماهیتی اسلامی داشته که از عقبه ۱۴۰۰ ساله اسلام تغذیه شده،

بنابراین انعکاس و طنین آن در کل بلاد اسلام، آشنا و مطلوب بود. مسئله مهم این است که مخالفان اثربخشی انقلاب اسلامی ایران، از طرق مختلف چون تحریم اقتصادی، تشدید اختلافات داخلی، ایجاد بحران و آشوبهای قومی، ایجاد ترور و خشونت و جنگ تحمیلی و کودتاهای مختلف تلاش کردند تا هزینه انقلاب را به شدت بالا ببرند و از نتایج و تاثیرات آن بکاهند. در صورتی که آنها موفق شوند می توانند اثرگذاری بیرونی انقلاب را کاهش دهند و هم تمایل و اشتیاق مسلمانان را برای تاثیر گذاری بکاهند (حشمت زاده، ۱۳۸۶: ۱۵-۱۷). سوالی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می گیرد این است که چرا؟ چگونه؟ و چه مقدار؟ انقلاب اسلامی ایران در کشورهای اسلامی به خصوص جنبش مقاومت لبنان تاثیر داشته است؟

در این پژوهش به نقش ایران و تاثیر بن لایه های انقلابی و اسلامی آن همچون: روحیات ایثارگری، جهادی، بسیجی، برابری، برادری، شهادت، یکسان نگری، موقعیت سازی، هویت یابی، عدالت باوری، تمایز و برتری نگری در رشد و بلوغ سیاسی و بهار فکری شیعیان لبنان پرداخته می شود و پس از آن به زمینه ها و نحوه ی این اثر گذاری اشاره می رود. فرض این پژوهش این است که انقلاب اسلامی تاثیر مثبتی در تاسیس جنبش و سازمان حزب الله لبنان و سایر گروههای مقاومت در لبنان و خاورمیانه داشته است و نظریه پخش می تواند چارچوب مناسبی برای سنجش میزان اثرگذاری و نوع اثر اثرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان لبنان می باشد.

چارچوب نظری پژوهش

نتایج مطالعات هاگر استرند در کشورهای اروپایی و به ویژه آمریکا، نظر بسیاری از جغرافی دانان و اندیشمندان را به خود معطوف داشت و این نظریه برای تبیین چرایی رخداد گسترش پدیده ها در حوزه ها و رشته های مختلف به کار گرفته شد. (شکویی، ۱۳۶۴: ۱۱۱ و ۱۱۲)

از دیدگاه استراند از شش اصل به عنوان اصول و مؤلفه های اساسی این نظریه می توان نام برد:

۱. حوزه و محیط اولیه پدیده: اولین عامل، حوزه و محیطی است که در آن پدیده پخش ایجاد می شود. این محیط به لحاظ طبیعی یا محیطی، انسانی یا اجتماعی دارای خصوصیات خاصی است.
۲. زمان پخش: دومین عامل، زمان است. یک پدیده در طول زمان به مناطق دیگر

گسترش می یابد. زمان می تواند روزها و سال ها و به صورت دوره های جدا از هم باشد. ۳. موضوع یا پدیده پخش: عامل سوم در نظریه پخش به موضوع و پدیده باز می گردد. مسئله و رویدادی که از یک حوزه به دیگر مناطق نشر می یابد، می تواند نوآوری های فنی و علمی، یافته های جدید کشاورزی و تولیدی، پدیده های اجتماعی چون رفتار، گویش و مد لباس و امراض و بیماری های واگیر و یا فعالیت های فرهنگی و سیاسی نظیر انقلاب ها باشد.

۴. مبدأ پخش: پدیده هایی چون نوآوری و امراض از مکان های خاص و مبدأ خاصی به دیگر حوزه های جغرافیایی انتشار می یابند. مبدأ پخش دارای خصوصیات و شرایط خاصی برای ایجاد و تشکیل پدیده هستند که به دلیل مقبولیت مردمی به دیگر مناطق گسترش می یابد.

۵. مقصد پخش: حوزه ها و مکان هایی که موضوع و پدیده پخش در طول زمان در آن گسترش یافته و بین مردم این مناطق پخش می شود.

۶. مسیر حرکت پدیده: موضوع پخش در مسیر های خاصی جریان می یابد و این مسیر ها به دلیل داشتن شرایط خاص، پدیده پخش را به مقصد می رسانند. (برزگر، ۱۳۸۱: ۳۱؛ Palloni, ۲۰۰۷). بر اساس نظریه پخش، با توجه به قرابت های فرهنگی، مذهبی و تاریخی مشترک و نیز مجاورت جغرافیایی ایران و کشورهای منطقه، طبیعی است که هر نوع تحول و رویدادی در هر یک از این کشورها، سایر کشورها را به نسبت دوری و نزدیکی فرهنگی و جغرافیایی این کشورها با درجات مختلف تحت تاثیر قرار می دهد و سطوح مختلفی از تاثیر گذاری به وجود می آید. انقلاب اسلامی که انقلابی مترقیانه و مبتنی بر شعارها و اصول جذاب از جمله حق رای و حق تعیین سرنوشت و تشکیل حکومت اسلامی به روش مسالمت آمیز و محتوای آن یعنی توجه به مصالح امت اسلامی و وحدت اسلامی بود لذا بسیار جذابیت داشت و مورد استقبال مردم و نخبگان منطقه قرار گرفت و جوامع منطقه هر یک سطوح مختلفی از تاثیر پذیری از انقلاب اسلامی را تجربه نمودند.

روش پژوهش

روشی که با استعانت از آن پژوهش حاضر صورت گرفته است توصیفی - تحلیلی است. متغیر مستقل ما انقلاب اسلامی است و رفتارها و نمودها یا جلوه های بیرونی انقلاب اسلامی به خصوص عرصه های مختلف اثر پذیری جنبش شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی به عنوان متغیرهای وابسته مورد تحلیل و بررسی قرار گرفتند. شیوه گردآوری اطلاعات

استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی بوده و تکنیک مورد استفاده هم فیش برداری می‌باشد.

۱- یافته های پژوهش

۱-۱. شرایط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شیعیان لبنان

شیعیان لبنان، از قرن سوم هجری به بعد در منطقه ی جبل عامل، بخش شمالی دره بقاع، طرابلس و کسروان ساکن بودند. به دنبال فتح سوریه به دست صلاح الدین ایوبی و فرمانروایی حکام ایوبی و حکومت سلاطین سنی مذهب، شیعیان از منطقه ی شمالی لبنان بیرون رانده شدند (بولس، ۱۹۷۲: ۲۶۵)

بسیاری از شیعیان به دلیل قرار گرفتن در معرض قتل و اسارت، برای نجات خویش به تسنن تغییر مذهب دادند؛ به گونه ای که بسیاری از شیعیان شهر طرابلس و شمال لبنان سنی شدند. بیشتر آنها نیز برای حفظ جان خود به مناطق کوهستانی جبل عامل مهاجرت کردند (مهاجر، ۱۹۹۲: ۶۵). دورافتادگی جغرافیایی این مناطق و دوری آن ها از ظلم حاکمان، نه تنها سبب تداوم و استمرار فرهنگ شیعی در این ناحیه گردید؛ بلکه موجب جذب شیعیان امامیه از سایر بخش ها به این ناحیه شد. بدین ترتیب، جبل عامل در طول تاریخ، همواره نقطه انتشار فرهنگ اهل بیت و مرکز تجمع شیعیان، به ویژه دانشمندان، نویسندگان، شاعران و مصلحان بزرگ و نام آور شیعه بود (عاملی، بی تا: ۱۵).

شیعیان در دوران حکومت عثمانی، در مقایسه با سایر طوایف لبنانی از صحنه سیاسی به دور بودند؛ در قرن نوزدهم میلادی که لبنان تحولی عمیق راپشت سر گذاشت، شیعیان هنوز به صورت عشیره ای زندگی می کردند و قدرت واقعی شیعه در دست سران عشایر قرار داشت. در این زمان، فاصله و شکاف میان شیعیان با سایر طوایف زیادتر شد؛ زیرا مارونی ها با فرانسه، دروزی ها با بریتانیا، ارتدوکس های یونانی با روسیه متحد بودند و سنی ها نیز خود را بخشی از خلافت عثمانی دانسته و از حمایت آنان برخوردار بودند (حماده، ۲۰۰۸: ۸۸-۸۹) تنها گروه شیعه بود که از حمایت خارجی محروم بود و فقط گاهی از جانب حکام قاجار برای رفاه برخی از تجار شیعه علاقه ای نشان داده می شد، البته این حمایت بسیار ضعیف بود (۱۲۲- ۱۲۱، p. ۱۹۳۹، fawaz)

در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، با اصلاحات ارضی حکومت عثمانی، درنواحی شیعه نشین دگرگونی محدود اقتصادی اجتماعی پدید آمد. (لوتسکی، ۱۳۵۴: ۱۸۱ و ۲۹۷) که به رشد گروه کوچکی به نام زعما یا اشراف منجر شد و این گروه توانستند مالکیت

برخی اراضی را بدست گیرند. با تمرکز ثروت در دست زعماء، آنها نمایندگان مناطق شیعی در شوراهای اداری عثمانی محسوب می شدند (۱۲۲-۱۲۱، buheiri, ۱۹۸۱) با تضعیف عثمانی در دهه ۱۸۹۰ و با فشار قدرت های اروپایی بر عثمانی، منطقه جبل عامل برای خاتمه دادن به جنگ میان مارونی ها و دروزی ها، خودمختار شد (رابینوویچ، ۱۳۶۸: ۲۰) ولی شیعیان همچنان به دلیل فشارهای گذشته از سوی حاکمان سنی - که در این منطقه خودمختار، تنها ۶ درصد از مجموع کل جمعیت را تشکیل می دادند - به دلیل حاشیه نشینی بیشتر آنها در جنوب لبنان و منطقه بقاع، نسبت به سایرین عقب مانده بودند (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۲۲-۲۳).

در خلال قیام دروزی ها در ژانویه ۱۹۲۶، شیعیان به دستاورد سیاسی و دینی مهمی دست یافتند. از آن جا که جامعه شیعه طی دهه های گذشته نقش مهمی را در جهت تحکیم لبنان بزرگ ایفا کرده بود، دولت فرانسه به دلیل بی اعتمادی شیعیان به ناسیونالیسم، برای راضی نگهداشتن شیعیان، جلوگیری از پیوستن آنها به دروزی ها و عدم شکل گیری جبهه ی متحد اسلامی علیه فرانسه، به جامعه شیعیان امتیازاتی واگذار کرد که قبلاً توسط خلفای عثمانی و دیگر رهبران سنی سلب شده بود (علیزاده، ۱۳۶۸: ۲۱)

فرانسوی ها با رسمیت دادن به مذهب شیعه در کنار دیگر مذاهب لبنان، رسماً وضعیت حقوقی جداگانه ای برای شیعیان قائل شده و با تاسیس دادگاه های شرع جعفری در لبنان، برای نخستین بار در طول تاریخ لبنان، شیعیان به عنوان یک گروه دینی جدا از اهل سنت و دارای تشکیلات قضایی خاص خود، به رسمیت شناخته شدند (olmert, ۱۹۸۷, p ۱۰).

لبنان در سال ۱۹۴۳ م از قیمومت فرانسه خارج و مستقل شد. در آن دوران هرچند مارونی ها و سنی ها در استقلال لبنان سهم بزرگی داشتند، ولی اتحاد و یک رنگی شیعیان این سرزمین و پیروی آنها از علما و رهبران دینی، آثار عمیقی بر استقلال لبنان داشت و حتی گفته می شود که استقلال این سرزمین مرهون فداکاری های رهبران دینی شیعیان می باشد (دعوتی، ۱۳۵۲: ۷-۸). آیت الله سید عبدالحسین شرف الدین از جمله افرادی بود که مبارزات سیاسی خود را همگام با گروه های استقلال طلب آغاز کرده بود تا لبنان را از زیر یوغ دولت بیگانه برهاند. وی با فراخواندن علما، به بیدار کردن مردم و مقاومت در برابر فرانسه پرداخت و مردم جبل عامل را نیز علیه متجاوزان بسیج کرد (گلی زواره، ۱۳۸۱: ۱۳-۱۴)،

با درگذشت آیت الله شرف الدین ، بنابر وصیت ایشان، آیت الله سید موسی صدر به لبنان رفت و فعالیت های خود را آغاز کرد. امام موسی صدر برای احقاق حقوق قانونی شیعیان ، تمام نیروی خود را برای تاسیس یک مجلس قانونی شیعه بکار گرفت و در نهایت مجلس اعلاى شیعیان را تاسیس کرد و در تاریخ ۲۲ می ۱۹۶۹ به ریاست این مجلس انتخاب شد و با اعطای لقب "امام" به وی ، رسماً به عنوان رهبر طایفه شیعیان انتخاب شد (حسین، ۱۹۹۶: ۱۳۱) پس از آن برای استحکام بیشتر قدرت شیعیان و داشتن یک حامی خارجی برای حمایت آنها ، در سال ۱۹۷۳ با سوریه به رهبری حافظ اسد دست به ائتلاف سیاسی زد و به دنبال آن ایشان با شیعه دانستن علوی های سوریه که حافظ اسد نیز جزء آنها بود به این ائتلاف مشروعیت دینی داد. و در مقابل نیز حافظ اسد نیز به کمک های مالی و سیاسی شیعیان و همچنین پشتیبانی های نظامی و تسلیحاتی مبادرت ورزید (علیزاده، ۱۳۶۸: ۱۹۲) ایجاد "حرکت المحرومین" و شاخه ی نظامی آن "جنبش امل" نیز در پی رفع محرومیت نه تنها از شیعیان و بلکه از تمام طوایف لبنانی صورت گرفت (حیدر، ۱۹۹۵: ۴۹-۵۰)

مقبولیت تکثر گرایی مذهبی و حمایت امام موسی صدر از رفع محرومیت توده های محروم لبنان باعث شد تا قدرت و توانایی وی همواره افزایش یابد ؛ ولی با شروع جنگ داخلی در سال ۱۹۷۵ از آنجایی که در جنگ داخلی تمام طوایف به منافع خود می اندیشند ، امام موسی صدر دیگر نتوانست به عنوان یک رهبر فراطایفه ای ، به دنبال ایجاد وحدت ملی در لبنان باشد. بدین ترتیب در این دوران ، شیعیان به جای شرکت در جنگ داخلی ، بیشتر توجه خود را به نظام سیاسی لبنان معطوف کرده و امام موسی صدر نیز تمامی تلاش های خود را در پایان دادن به این بحران به کار گرفت . اما با تضعیف شدن نظام سیاسی لبنان در اثر جنگ داخلی ۱۹۷۵ و تجاوز اسرائیل در سال ۱۹۷۸، امام موسی صدر با هدف ایجاد اتحاد بین گروه های داخلی لبنان و همچنین جلب حمایت کشورهای عربی و متقاعد ساختن آنان به منزوی کردن اسرائیل و تحریم هرگونه رابطه با اشغالگران و به منظور تقویت جنبش محرومین در مبارزه با اسرائیل ، به کشورهای مختلف مسافرت کرده و پس از مذاکره با مقامات کشورهای سوریه ، اردن، عربستان و الجزایر ، بنا به دعوت رسمی "معمر قذافی" رهبر لیبی ، در تاریخ ۲۵ اوت ۱۹۸۷ (۳ شهریور ۱۳۵۷) به همراه شیخ محمد یعقوب و یک روزنامه نگار به نام عباس بدرالدین وارد لیبی شد. (حسین ، ۱۹۹۶: ۱۰۵) پس از پنج روز اقامت در آنجا ، در حالی که قرار بود به ایتالیا بروند ، خبر ناپدید شدن آنها انتشار یافت ؛ در حالی که لیبی خروج این

افراد را از این کشور اعلام داشت، سران ایتالیا ورود امام موسی صدر به خاک خود را جعلی اعلام کردند (مرادی، ۱۳۴۷: ۶۱-۶۲).

۱-۲. سیاست منطقه‌ای ایران و مقاومت اسلامی

در حالی که انسجام و همبستگی شیعیان بخش مهمی از راهبرد نیابتی ایران است اما توانایی و ظرفیت جمهوری اسلامی ایران برای اعمال نفوذ منطقه‌ای از طریق متحدان نیابتی خود فراتر از تشکیلات و اتحادهای فرقه‌ای است و محدود به فرقه خاصی نمی‌شود. شعار نه شرقی و نه غربی، و نیز در کنار شعار دیگر امام خمینی (ره) و مردم ایران یعنی "نه ظلم می‌کنیم و نه ظلم و ستم می‌پذیریم" حکم و دستوری است که حمایت ایران را از گروه‌های غیر شیعی که در مقاومت علیه ظلم و ستم امپریالیسم و اسرائیل مشارکت دارند را مشروعیت بخشید و ایران را قادر ساخت تا از آنها حمایت کند. تهران به دنبال تطابق تعهدات ایدئولوژیکی خود با نیازهای ژئوپلیتیکی خود است و لذا از این جریان‌های نیابتی استفاده می‌کند تا مانع این شود که کشورهای اسلامی به عنوان سکویی برای حمله به کشورهای اسلامی و ایران مورد بهره‌برداری قرار گیرند و آنها را بر علیه امریکا و اسرائیل تقویت می‌کند تا از این طریق امنیت کشورهای منطقه و ایران تامین شود (Associated Press, Jan. ۱, ۲۰۰۰).

تاثیر و صدور انقلاب اسلامی در کشورهای مسلمان که اغلب حوزه منافع فدرتها هستند، می‌تواند برای حفظ انقلاب اسلامی در ایران و نظام برخاسته از آن حاشیه امنی ایجاد کند. یعنی قدرتها و کشورهایی که قصد مهار و اعمال فشار بر کانون انقلاب اسلامی را دارند ناچارند بخشی از نیروی خود را صرف حصر اسلام‌گرایی در سایر بلاد کنند تاثیر و بازتاب انقلاب اسلامی نشانگر آن است که قدرت کسب شده در ایران چگونه میل به بسط و گسترش در فراسوی مرزها داشته است. انقلاب اسلامی در سه سطح و عرضه مهم اثر گذاشته و تغییراتی ایجاد کرده است: ۱- دولتها؛ ۲- ملتها؛ ۳- نهضتها و جنبش‌ها.

پس از انقلاب اسلامی، دولتهای اسلامی به درجات مختلفی احساس کرده اند که برای بقا و تداوم خود نیازمند نوعی مشروعیت دینی و مردمی هستند. هر دولت نیز به شکلی برای رفع این نیاز عکس‌العمل نشان داده است و سعی کرده اند با اسلام و اسلام‌گرایان همکاری کنند. دول، نهضتها و ملل اسلامی به شکلهای زیر از امواج انقلاب اسلامی تاثیر پذیرفته اند: ۱- تاسیس: جنبش حزب الله لبنان به طور مستقیم و به تاسی از انقلاب اسلامی ایران تاسیس شد. ۲- توسعه و تحکیم: انقلاب اسلامی موجب تحکیم و توسعه احزاب و

دسته جات مجاهدین شیعی افغانی گردید. ۳- تجزیه: اخوان المسلمین و شاخه هایی از آن تجزیه شده و از آن انشعاب گردید و گروههای مسلحانه جهادی ایجاد کردند. ۴۰- تخریب و تبدیل: برخی از جنبشها و سازمانهای سیاسی و مبارزاتی در عرصه کمونیسم، ناسیو نالیسم و لیبرالیسم رنگ باختند و توان اثرگذاری خود را از دست داده و عملاً متلاشی شدند و تبدیل و تبدل یافتند. ۵- تنافر: برخی از جنبشها نیز راه تنافر و دوری و واگرایی از انقلاب اسلامی را در پیش گرفتند چون انقلاب اسلامی ماهیت وابسته و سرسپردگی آنها به امریکا و دشمنی ذاتی آنها با اسلام و تشیع را برملا کرد طالبان و جبهه نجات اسلامی الجزایر، القاعده و داعش از این جمله اند (حشمت زاده، ۱۳۸۶: ۲۹۰-۲۹۱).

ابعاد مختلف اثرگذاری انقلاب اسلامی بر لبنان و فلسطین به شرح زیر می باشد:

بین انقلاب ایران و انقلابهای روسیه و فرانسه تفاوتهای زیادی وجود دارد. مهمترین وجه تمایز انقلاب ایران و انقلابهای روسیه و فرانسه، ریشه مذهبی آن بود که هیچگونه شباهتی با دو انقلاب دیگر نداشت. در ایران مذهب قوه محرکه اصلی انقلاب اسلامی به شمار می رفت و آتش انقلاب از درون مسجد زبانه کشید و سرانجام منجر به پیروزی انقلاب اسلامی شد. به عبارتی دیگر انقلاب اسلامی ایران یک انقلاب دینی و ضد استکباری بود که تنها به سرنگونی کامل استبداد اکتفا نکرد و در واقع انقلابی در فرهنگ انقلابهای جهان و مردم منطقه و جهان و ایران ایجاد نمود و به خاطر ماهیت ضد استکباری خود از همان ابتدا با دشمنی تمام ابرقدرتها روبه رو بوده است ولی انقلاب فرانسه یک انقلاب لیبرال بورژوازی و از نتایج آن سرنگونی نظام سلطنتی و برقراری یک جمهوری پارلمانی بود و انقلاب روسیه یک انقلاب سوسیالیستی و از نتایج آن سرنگونی حکومت تزاری و نهایتاً تسلط نظام سوسیالیستی بود پرفسور حامد الگار در این زمینه می گوید: یکی از ممیزات انقلاب اسلامی ایران شرکت وسیع توده های مردم بود اما در انقلابهای فرانسه، روسیه و چین انقلاب همیشه با جنگ داخلی همراه بود (قالیاف، ۱۳۹۰: ۱-۷).

رواج اسلام سیاسی، بیداری و هویت خواهی مسلمانان: تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بیشترین دغدغه ی غرب در جهان اسلام و کشورهای مسلمان، ترس از حرکت های ناسیونالیستی و جنبش های روشن فکری بود که غالباً تحت تأثیر ایدئولوژی رقیب قرار می گرفتند (جرجیس، ۱۳۸۵: ۸۹) لذا آنها از حرکت های اسلامی هراسی نداشتند. در فرآیند انقلاب اسلامی ایران، انقلابیون با تکیه بر اسلام انقلابی و بدون توسل به مبارزه ی مسلحانه، در مقابل رژیم کاملاً مسلح، صف آراییی کردند. لذا مبارزه ی انقلابیون مسلمان علیه سلطه مورد حمایت همه جانبه ی قدرت های بزرگ جهانی،

موجب مطرح شدن معیارهای جدیدی شد و کارایی اسلام در قرن حاضر را نشان داد (حنفی، ۱۳۷۶: ۲۱)

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، گروه های دینی انقلابی زیادی در کشورهای اسلامی پدید آمدند که از جمله مهم ترین این کشورها لبنان بود که عملاً این انقلاب به اعتماد به نفس در میان جامعه شیعه ی لبنان انجامید. اسلام سیاسی در قرن بیستم توسط بسیاری از گروه ها از جمله اخوان المسلمین در حال گسترش بود، ولی به اعتراف صاحب نظران، به استثنای ایران، اسلام سیاسی در هیچ کشوری نتوانست تغییر عمیق در صحنه سیاسی پدید آورد (روره، ۱۹۹۵: ۲)

انقلاب اسلامی، غرب و نظام سیاسی حاکم بر جهان را - که مبتنی بر جدایی دین از سیاست بود - طرد می کرد. از این رو، به تهدیدی برای نظام سلطه ی جهانی و منافع ابرقدرت ها تبدیل شده است (هوبر، ۱۳۷۰: ۷۶). منظور این است که انقلاب اسلامی با نام خدا و پشتوانه مردم و رهبری امام خمینی (ره) بنیان رژیمهای مستبد عرب که وابستگان و تامین کنندگان منافع غرب هستند را با خطر جدی مواجه کرده است و چنانچه امواج انقلاب اسلامی بتواند سبب انقلاب در این کشورها شود غرب دولتهای وابسته و مستبد منطقه را که مورد حمایت غرب هستند از دست می دهند و دولتهای مردمی و دموکراتیک و تحت تاثیر انقلاب اسلامی قطعاً به نفع غرب نخواهد بود و غرب تمام تلاش خود را بسیج کرده تا جلوی انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی را بگیرد چون به خوبی آنها آگاه هستند که انقلاب اسلامی خواهان استقلال، خودکفایی و رهایی از وابستگی به شرق و غرب و حق تعیین سرنوشت توسط مردم منطقه است لذا این خوشایند سلطه گران بین المللی نیست اما غرب و امریکا از وضع موجود یعنی تداوم رژیمهای استبدادی و وابسته در منطقه خاورمیانه حمایت می کند و به جد با تمام جنبشها و اندیشه های مقاومت مبارزه می کند.

از این رو، هراس غرب از اسلام و جدایی نا پذیر بودن دین و سیاست، تنها ناشی از ریشه های مذهبی آن نیست؛ بلکه بیشتر ناشی از ریشه های سیاسی اسلام بود که غرب را به وحشت افکنده است (فوازی، ۱۳۸۵: ۱۲).

لبنان به لحاظ تاریخی از خواستگاههای اصلی تشیع بوده و سابقه این امر به صدر اسلام باز می گردد. لذا به طور طبیعی بعد از انقلاب اسلامی، لبنان جزو فوری ترین مناطق اثر پذیر است. دومین تاثیر انقلاب اسلامی ایران ایجاد انشعاب در امل بود. شعبه انقلابی ان به رهبری حسین موسوی از ایران تبعیت می کند. شدیدترین و محسوس ترین تاثیر انقلاب

اسلامی در لبنان، تاسیس و ایجاد جنبش حزب الله در تابستان ۱۹۸۳ است (سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی، سند شماره ۶۷۹).

– زمینه های تأثیر پذیری حزب الله لبنان از انقلاب اسلامی ایران

امام خمینی (ره) علاوه بر توجه به وجه معرفتی و نظریه پردازی و همچنین بعد اجتماعی و بسیج اجتماعی توده مردم، توجه اساسی خویش را به بعد فرهنگی نهضت معطوف ساخت که نتیجه آن تربیت شاگردان و خواصی بود که بعدها مدیریت نهضت و نظام اسلامی پس از آن را عهده دار شدند و از سوی دیگر تربیت درونی عامه مسلمانان را در پی داشت که اساس و شالوده جامعه اسلامی و بدنه فعال نهضت اسلامی را تشکیل می دهد و انقلاب اسلامی تنها حکوت اسلامی امت را پدید آورد و اولین منطقه ا زاد اسلامی رها از سیطره استبداد داخلی و استعمار خارجی شکل گرفت. از آن زمان به بعد، بیداری اسلامی وارد مرحله جدیدی شد. پیدایش مقاومت اسلامی در لبنان همزمان با اشغال این کشور در سال ۱۳۶۱ و ایجاد اولین انتفاضه فراگیر فلسطین در سال ۱۳۶۵، معمولی ترین آثار صدور انقلاب و بیداری اسلامی بود که چند سال بعد در اوایل دهه نود میلادی در حوزه بالکان (بوسنی و سپس کوزوو) بیداری هر یک از این مناطق بر بیداری کلیت مسلمانان دامن زد و هریک به شعله ای برای بیدار سازی تدریجی امت طی این سالها تبدیل شد. به گونه ای که اکنون، دامنه بیداری اسلامی به بیداری انسانی کشیده شده است. دیگر تصاویر نمادهای بیداری اسلامی، مقاومت، چفیه ها و پرچمها و عکسها و .. فقط در دست مسلمانان نیست بلکه مسیحیان و حتی کسانی که در عمق جغرافیایی غرب زندگی می کنند، این نمادها را پرچم آزادی خواهی و عدالت طلبی خویش قرار داده اند (نواب، ۱۳۸۵: ۶۵).

به دلیل زمینه های مشترکی که به لحاظ مذهبی و داشتن رهبرانی که از ایده های مشترک مذهبی و ظلم ستیزی برخوردار بودند این انقلاب تأثیری ویژه بر شیعیان لبنان داشته است در ذیل به این زمینه های مشترک پرداخته می شود.

۱- زمینه های مذهبی: اشتراک مذهبی ایرانیان با شیعیان لبنان، نقش مهمی در اثر پذیری از ایده ها و اصول انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی داشته است. به لحاظ تاریخی ارتباط بین شیعیان ایران و لبنان، به زمان سلسله ی صفویه باز می گردد که پادشاهان آن از علمای شیعه جبل عامل طلب راهنمایی کردند. در پس این دعوت، تعدادی از علمای شیعه جبل عامل به ایران سفر کرده، به آموزش مذهبی مشغول شدند. در سال های قبل از انقلاب اسلامی ایران، روحانیون جوان زیادی در نجف تحصیل می

کرده اند که این افراد در آنجا با اندیشه های امام خمینی (ره) آشنا و بعدها در لبنان از مروجان اندیشه های ایشان شدند. افرادی نظیر ابراهیم حسن، عباس موسوی، صبحی طفیلی، راغب حرب (در سال ۱۹۸۴ به شهادت رسید)، در دهه ی ۱۹۷۰ در نجف تحصیل می کردند و بعدها از رهبران شاخص حزب الله شدند. بنابراین نجف به مرکز آموزشی مذهب شیعه در دهه ی ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ تبدیل شده بود (نورتون، ۱۳۸۲: ۱۰۴). پس از انقلاب اسلامی و با استقرار حکومت جمهوری اسلامی در ایران، به تدریج طلاب لبنانی در ایران افزایش یافتند این روحانیون، انتقال دهنده ی مذهب شیعی انقلابی ایران به شیعیان لبنانی شدند (جعفریان، ۱۳۸۷: ۶۴). این اشتراک مذهبی، حوزه و محیط شیعیان را به محیط پذیرا و همگرا با محیط ایران پس از انقلاب بدل کرده است.

۲- زمینه های سیاسی: یکی از عواملی که زمینه ساز تأثیر پذیری حزب الله از انقلاب ایران شد زمینه های سیاسی است. تنوع طوایف و مذاهب در لبنان، موجب شده هر طایفه در لبنان نگران چگونگی حفظ حقوق و اقتدار خود باشد. شاید به همین سبب بود که علی الخصوص، پس از جنگ جهانی دوم طایفه های مختلف مذهبی در لبنان بدنبال یک حامی خارجی بودند، سنی ها از سوی کشورهای عرب و مسیحیان مارونی از سوی غرب حمایت می شدند در این میان فقط شیعیان لبنان بودند که هیچ گونه حامی خارجی نداشتند. این امر سبب شده بود که شیعیان لبنان خواهان کسب حمایت کشوری شیعی باشند. بنابر این، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه شیعیان لبنان متوجه انقلاب اسلامی ایران و نظام جمهوری اسلامی ایران شد. نظام طایفه ای بدون در نظر گرفتن واقعیت های اجتماع لبنان و ساخت جمعیتی آن، در حق شیعیان ظلم و اجحاف روا داشته بود. پس طبیعی بود که شیعیان لبنان به ویژه حزب الله مستعد پذیرش اندیشه های مساوات طلبانه، عدالت طلبانه و همچنین ظلم ستیزانه انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران باشند (احمدی، ۱۳۸۵: ۵).

در سال ۱۹۷۹، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، یک نهاد فرهنگی تحت عنوان کمیته حمایت از انقلاب اسلامی شکل گرفته بود. این کمیته تظاهرات گسترده مردمی را در حمایت از انقلاب اسلامی ایران پیش از پیروزی ترتیب می داد که نشانگر سیاسی شدن شیعیان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بوده است. سیدحسین موسوی (ابوهشام) یکی از رهبران حزب الله در زمینه ی تأثیر فعالیت های امام موسی صدر می گوید: «من معتقدم که اگر امام موسی صدر مردم لبنان را بیدار و آماده نکرده بود، آنها هیچ وقت دعوت امام خمینی (ره) را استجابت نمی کردند. آنها نه تنها چنین کردند، بلکه قبل از پیروزی انقلاب نیز با آن همدل و همگام بودند... ما از اول با انقلاب و در کنار آن بودیم؛ یعنی هم در

زمان امام صدر و هم بعد از آن در مسیر انقلاب اسلامی قرار داشتیم. حرکت امام موسی صدر، برنامه ها و اقدامات ایشان، مردم لبنان را آماده نمود تا با انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی (ره) همگام و همراه شوند (کمالیان و رنجبر کرمانی، ۱۳۷۷: ۴۷).

اعضای مذهبی امل، شرکت نبیه بری در کمیته نجات ملی را انحراف از خط سیاسی-اسلامی امام موسی صدر می دانستند. یکی از مخالفان اصلی این طرح سید حسین موسوی (ابوهشام) نایب رئیس جنبش امل بود که شرکت نبیه بری در کمیته نجات و همچنین تصمیمات آن را مخالف با مبانی فکری و دیدگاههای اولیه جنبش و همچنین مخالف با تصمیمات چهارمین کنگره تفسیر کرد. وی معتقد بود که هیئت نجات تحت نظارت آمریکا و رژیم صهیونیستی شکل گرفته و شرکت نبیه بری در آن غیر اسلامی است. اعضای مذهبی جنبش امل پس از شرکت نبیه بری در هیئت نجات، از رهبر جمهوری اسلامی ایران مشورت خواستند که پاسخ ایشان این بود که انقلاب اسلامی مشارکت در هیئت نجات را رد می کند (شراره، ۱۹۹۸، ص ۱۲۷).

بنابراین، سیاستهای غیر مذهبی نبیه بری، اعضای مذهبی جنبش امل و جامعه ی شیعه لبنان را مأیوس کرده، و سبب شد آنها مسیر دیگری را برای فعالیت‌های سیاسی-اجتماعی خود برگزینند. برخی از مسئولان جنبش امل چون سیدحسن نصرالله، شیخ صبحی طفیلی، شیخ محمد یزیک، شیخ حسین خلیل، شیخ نعیم قاسم، محمد رعد، سیدعباس موسوی، سید ابراهیم امین السید و بالاخره سیدحسین موسوی از جنبش امل کناره گیری کردند (غریب، ۱۳۸۴، ۲۸-۲۷).

در نتیجه، سیاستهای غیر مذهبی نبیه بری و جنبش امل، زمینه را برای تأثیرگذاری انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران که خواهان مشارکت فعالانه اسلام و مذهب در سیاست بود، هر چه بیشتر مهیا و آماده کرد و باعث شد اعضای مذهبی جنبش امل که به شدت تحت تأثیر آموزه های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران بودند، به یکی از دسته های اصلی تشکیل دهنده حزب الله تبدیل شوند.

۴- زمینه های اقتصادی: در طول تاریخ لبنان، جامعه شیعه محروم ترین و مستضعف ترین طایفه بوده است. پس از اعلام استقلال لبنان در سال ۱۹۴۶ و حاکمیت نظام طایفه ای، وضع شیعیان بسیار وخیم و ناراحت کننده بود. آنان شهروندان درجه سوم-پس از مسیحیان و اهل تسنن- به حساب می آمدند، همه کارهای کم درآمد و پست به عهده شیعیان بود.

مناطق آنان فقیرترین و محروم ترین قسمت‌های لبنان و سرنوشت آنان سیاه ترین

سرنوشتها به شمار می رفت و فرهنگ و امکانات رشد برای شیعیان به حداقل تقلیل یافته بود. به همین دلیل، عده ی زیادی از شیعیان لبنان مهاجرت کرده و در کشورهای به خصوص آفریقایی به کار و کاسبی می پرداختند (چمران، ۱۳۶۲، ص ۳۳) همچنین بسیاری از روستاییان به دلیل محرومیت های اقتصادی و نبود شغل و با امید به یافتن کار مناسب و تأمین حداقل مایحتاج و امید به بهتر شدن زندگی به محله های فقیرنشین پیرامون بیروت مهاجرت کرده بودند. مارتین کرامدر کتاب بنیادگرایی در مورد جایگاه شیعه قبل از پیدایش حزب الله می نویسد در سال ۱۹۴۶ که لبنان استقلال یافت، شیعیان به صورت کنیززادگان تحقیر شده ای درآمدند که در کشوری زیر حاکمیت مسیحیان مارونی و مسلمانان سنی و در خدمت به منافع ویژه ی آنها روزگار می گذراندند (میرباقری، ۱۳۸۲: ۴۷)، پس از استقلال لبنان، منطقه جبل عامل به دلیل ضعف و عقب ماندگی به الجنوب شهرت داشت. بیماری، بی سوادی، و فقر سهم این منطقه بود که عمدتاً شیعیان در آن سکونت دارند. از لحاظ برق، جاده، مدرسه، بیمارستان، پزشک و حتی تلفن نیز به مراتب عقب افتاده تر از سایر نواحی لبنان بود (المرت، ۱۳۶۸: ۲۶۶). از جمله ابزارهای ایران، کمک های مالی و نظامی به شیعیان و حمایت از فعالیتهای مسلمانان محلی بود.

۴- زمینه های نظامی: لبنان پس از استقلال، به دلیل ساخت طایفه ای آن، ناعادلانه بودن تقسیم قدرت و همچنین مجاورت در کنار مرزهای رژیم غاصب صهیونیستی، همواره در معرض دو گونه تهدید امنیتی بوده که عبارتند از:

۴-۱. تجاوزهای مکرر صهیونیستها به خاک لبنان: پس از تشکیل دولت غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸، همواره لبنان به دلیل حضور آوارگان فلسطینی، مورد هجوم صهیونیستها بوده است. از پیامدهای تجاوز صهیونیستها به لبنان، کوچ دسته جمعی ساکنان جنوب بر اثر نابودی مزارع و محصولات کشاورزی و محاصره اقتصادی منطقه از سوی نیروهای صهیونیست بود. بدین ترتیب مهاجرت گسترده ساکنان جنوب بر حجم بیچارگی و آوارگی شیعیان افزود و مناطق شیعه نشین را به پایگاه وسیعی برای گروه های جنگجوی شیعه درآورد و حتی بعضی از پناهندگان و آوارگان شیعه به سکونت در اردوگاه های آوارگان فلسطینی مجبور شدند؛ به گونه ای که شمار آوارگان شیعه در یکی از این اردوگاهها بیشتر از آوارگان فلسطینی بود. بر اثر اختلاط شیعیان لبنان با آوارگان فلسطینی، قریب یک چهارم قربانیان کشتارهای صبرا و شتیلا که در سال ۱۹۸۲ توسط مزدوران صهیونیست - فالانژیستها صورت گرفت، از شیعیان بودند. علاوه بر این ماجرای دردناک، دیگری که به دست صهیونیستها انجام گرفت، اهانت به دسته های عزادار شیعه در روز عاشورا در شهر

نبطیه در سال ۱۹۸۳ بود که بر آتش خشم و کینه شیعیان افزود (سوید، ۱۳۷۹: ۲۶).

بنابر این، تجاوزهای پی در پی صهیونیستها به لبنان و آوارگی های شیعیان این کشور، زمینه مناسبی را برای دیدگاههای ضد صهیونیستی و همچنین فرهنگ شهادت طلبی انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران فراهم کرده بود.

۲-۴. جنگ داخلی لبنان: در سال ۱۹۷۵ نظامیان مسیحی با فلسطینی هایی که در لبنان حضور داشتند و مورد حمایت مسلمانان لبنان بودند، درگیر شدند و جنگ داخلی ۱۵ ساله لبنان آغاز شد. در این جنگ که در یک طرف آن اتحاد مسیحیان راستگرای افراطی و در طرف دیگر آن، اتحاد مسلمانان، چپگرایان و ملی گرایان قرار داشت، دهها هزار کشته و مجروح به جای گذاشت و تا اوایل دهه ۱۹۹۰ (زمان امضای توافق طائف) ادامه یافت. (اصل رکن آبادی، ۱۳۸۷/۲/۱۶) جنگ داخلی لبنان و بی نظمی ها و در هم ریختگی های اقتصادی و اجتماعی ناشی از آن که شیعیان لبنان را در تنگنا قرار داده بود، زمینه مناسبی برای آموزه های انقلاب اسلامی فراهم کرده بود. در دوران جنگ داخلی لبنان، شیعیان لبنان به احزاب چپ و قومی عربی بی اعتماد شده بودند و به دنبال اندیشه ای ثبات بخش، آرامش بخش و صلح طلب بودند که در سایه آن زندگی کنند. اصول، آرمانها و آموزه های انقلاب اسلامی پاسخگوی این خواسته های شیعیان محروم و خسته و زخم دیده از جنگ داخلی بود.

مصادیق تأثیرپذیری حزب الله از آموزه های و بن لایه های انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

۳-۴. ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره): مهم ترین و اصلی ترین حلقه اتصال و ارتباط میان حزب الله لبنان و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، پذیرش کامل نظریه ولایت فقیه و رهبری امام خمینی (ره) است. از هنگام پیدایش حزب الله تاکنون، مفهوم و نقش ولایت فقیه جزء جدایی ناپذیر مبانی فکری و عملی حزب الله بوده است. در دیدگاه حزب الله لبنان ولی فقیه بر شیعیان مؤمن تابع دولتهای دیگر نیز رهبری معنوی دارد و اگر چه انقلاب اسلامی با ایران پیوند خورده و در آنجا شروع شده، ولی به آن کشور منحصر نشده است؛ زیرا امام خمینی (ره) روح انقلابی امت اسلام را نخست در ایران زنده ساخت و از آنجا به چهارگوشه ی جهان اسلام گسترش یافت (غریب، ۱۳۸۴: ۱۱۳). سیدحسن نصرالله دبیر کل حزب الله لبنان ولی فقیه را استمرار دهنده رسالت پیامبر (ص) پس از رحلت آن حضرت می داند و امام خمینی را امام حسین عصر و شخصیتی مقدس از سلاله پیامبر (ص) توصیف می کند (غریب، ۱۳۸۴: ۱۱۳).

سید حسن نصرالله در خصوص تمکین حزب الله از رهبری امام خمینی می گوید: از نظر ما، امام خمینی، مرجع دینی، امام و رهبر به تمام معنای کلمه می باشد. همان گونه که هر رهبر بزرگ دینی در هر کیشی در جهان این گونه است. اما امام برای ما بیش از این است. ایشان سمبل و نماد انقلاب علیه طاغوت ها، مستکبران و نظام های استبدادی می باشد به طوری که موفق شد روح امید را در جان های مستضعفان بدمد. ایشان، نظریه اراده ملت ها در مقابل اراده مستکبران را احیاء کرد (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۷۵)

۴-۴. ادبیات سیاسی: واژه ها و اصطلاحات موجود در فرهنگ سیاسی حزب الله لبنان، اکثراً متأثر و برگرفته از واژه ها و اصطلاحاتی است که در انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی ایران استفاده می شود. یکی از مفاهیم اساسی و محوری در فرهنگ سیاسی حزب الله لبنان، تقسیم جهان بر حسب نظر امام خمینی (ره) به دو گروه مستکبران و مستضعفان است این تقسیم دوگانه محور اصلی اندیشه سیاسی حزب الله است تا آنجا که در سخنرانی های همه مسئولان و رهبران حزب به آن اشاره می شود. افزون بر این، نامه سرگشاده ۱۹۸۵ و برنامه انتخاباتی حزب الله در سال ۱۹۹۲ هر دو خطاب به مستضعفان بود. علاوه بر موارد فوق؛ عباراتی نظیر، صهیونیسم ستیزی، اسرائیل غده سرطانی است، آزادی قدس، روز قدس، ولایت فقیه متأثر از فرهنگ انقلاب اسلامی نظام جمهوری اسلامی و سخنان امام خمینی است (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۹۲-۲۱۴).

۴-۵. محوریت روحانیت در عمل سیاسی: بسیاری از روحانیون شیعه ی لبنان تا ابتدای دهه هشتاد میلادی، تحصیلکرده حوزه علمیه نجف اشرف در عراق بودند؛ دهه های شصت و هفتاد میلادی را در این کشور در حزب الدعوه به سر برده و شاهد ظهور جنبش زیر زمینی انقلابی عراق، به نام سال ۱۹۶۸ م بوده اند. پس از روی کار آمدن حزب بعث در عراق، دولت این کشور مبارزه همه جانبه ای را علیه نهادها و شخصیت های دینی شیعه در این کشور آغاز و در راستای آن روحانیون و طلبه های شیعه غیر عراقی را از این کشور بیرون کرد. بدین ترتیب، روحانیون شیعه لبنان مجبور به بازگشت به کشور خود شدند. بیشتر روحانیون بازگشته از عراق را افرادی جوان و تحت تأثیر دیدگاه های امام خمینی تشکیل می دادند که با برپایی مدارس دینی در لبنان، آموزه های اسلام سیاسی و انقلابی را به نسل جدید لبنان منتقل کردند. این گروه که بازگشت به کشورشان هم زمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران صورت گرفت، به تشکیلات خاصی نپیوسته و تنها در مجموعه های کوچک و پراکنده اسلام گرا در مناطق شیعه نشین لبنان به فعالیت و حمایت از انقلاب اسلامی مشغول شدند. در این دوره تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران،

اختلافاتی در جنبش امل در مورد نحوه‌ی رهبری این جنبش ایجاد شد و بر خلاف گروه ملی گرا به رهبری نبیه بری، برخی از مهم‌ترین گروه‌ها از جمله جنبش امل اسلامی و هواداران شیخ محمد مهدی شمس‌الدین و روحانیون دیگر ضمن مخالفت با رهبری نبیه بری، خواستار واگذاری پست‌های حساس به روحانیت بودند تا امل چهره دینی پیدا کند. ۴-۶. روحیات خاص سپاه و بسیج: حزب الله همچون چتری گردید که همه مجموعه‌ها و شخصیت‌های اسلام‌گرای شیعه لبنان را تحت پوشش خود قرار داد و با رهبری روحانیانی که در حوزه نجف درس خوانده بودند، فعالیت را آغاز کردند و پس از تشکیل نخستین شورای رهبری حزب الله در سال ۱۹۸۲ م. اعضای این شورا به ایران سفر و با امام خمینی دیدار کردند. <http://www.farsnews.com/printable.php?nn=۸۸۰۵۲۴۱۰۱۷>.

پس از ظهور رسمی حزب الله در سال ۱۹۸۴ م. معرفی یک روحانی به عنوان سخنگوی رسمی حزب و استقرار شورای رهبری حزب در ضاحیه، این موضوع را به تدریج آشکار ساخت که حضور یک شورای متشکل از روحانیون در داخل ساختار حزب الله، جایگاه روحانیون شیعه‌ای که در سال ۱۹۸۲ م. حزب الله را پایه‌گذاری کرده بودند، مشخص می‌کند. در آن موقع، به استثنای حسین موسوی (ابوهشام)، بقیه اعضای شورای رهبری حزب الله معمم و روحانی بودند. از جمله این افراد می‌توان به سه روحانی از شهر بعلبک - سید عباس موسوی، شیخ صبحی طفیلی و شیخ یزبک - اشاره کرد. از دیگر عناصر عمده حزب الله می‌توان طرفداران علامه فضل‌الله، از جمله رهبران حزب الدعوة - یعنی سید ابراهیم الامین و شیخ نعیم قاسم را نام برد (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۳۰۵).

این نوع رهبری در دوران امام موسی صدر نیز دیده می‌شد؛ ولی به اعتراف مسئولان حزب الله، الگوی عملی آنها در این زمینه امام خمینی بوده است. در این دوره با وجود تمایل سایر گروه‌ها به رهبری روحانیت، نقش متمایز روحانیون در بخش‌های مختلف حزب الله، در هیچ یک از احزاب و سازمان‌های لبنانی سابقه نداشته است. چراکه به اعتراف بسیاری از اندیشوران لبنانی، گسترش نفوذ روحانیون شیعه در لبنان (در مقایسه با سال‌های قبل از دهه هشتاد) از جمله تأثیراتی است که شیعیان لبنان از انقلاب اسلامی ایران پذیرفته‌اند (خشان، ۱۹۹۸: ۱۴).

بدین ترتیب، روحانیون شیعه دو نقش مهم را در حزب الله ایفا می‌کردند:

- ارتباط میان ولی فقیه و پیروان لبنانی وی را برقرار ساختند؛
- صیانت از ماهیت اسلامی حزب الله، به معنای تبیین شرعی برای اعمال و مواضع حزب الله، از جمله مقاومت و مبارزه در برابر اسرائیل را بیان می‌کردند. ایفای نقش

دوم بدان سبب بوده که حزب الله همواره نیاز داشت که مبارزه اش به گونه ای باشد که با معیارهای شرعی تطبیق کند تا بتواند هواداران خود و شیعیان مومن را متقاعد سازد که اعمال و اقداماتی که این حزب در برابر اسرائیل انجام می دهد، اعمالی جهادگرانه است، نه جنایت کارانه. لذا روحانیون در حزب الله، شبهات احتمالی اقدامات علیه نظامیان غربی و یا اسرائیلی را از ذهن هواداران حزب می زدودند. در این زمینه آیت الله سید محمد حسین فضل الله در تبیین اقدامات اسلام ملت هایی که زیر ستم هستند اظهار داشته است بر آنهاست که با امکانات و وسایل ویژه خود به جنگ و نبرد پردازند. به نظر ما اقدامات مسلمانان مستضعف جهان در رویارویی با تجاوزگران، آن هم با وسایل و امکانات ابتدایی و سنتی، تروریسم نیست، بلکه جنگی مشروع است که علیه نیروهای امپریالیستی، جبار و مستکبر اعمال می شود (فضل الله، ۱۹۹۸: ۲۳).

۴-۷. فرهنگ تشیع سمبل مقاومت: یکی دیگر از جلوه های تأثیرپذیری حزب الله لبنان از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی ایران، استفاده از سمبلها و نمادهای مذهب تشیع برای انتقال مناسب و موفق پیامهای انقلابی به مردم است. حزب الله لبنان برای انتقال پیامهای مربوط به جهاد، شهادت، مقاومت و استقامت و تحمل مشکلات، از نمادهایی همچون شهادت، عاشورا و شهادت امام حسین، جنگ های پیامبر(ص) و علی(ع) عدالت علوی ظهور مهدی موعود(عج) و امثال آن استفاده می کند (اسداللهی، ۱۳۷۹: ۱۸۷-۱۸۸).

۴-۸. فعالیتهای اجتماعی و خدماتی حزب الله: حزب الله در کنار فعالیتهای سیاسی و نظامی به فعالیتهای اجتماعی و خدماتی نیز اهتمام ورزیده است. در واقع؛ حزب الله تحت تأثیر خدمات اجتماعی جمهوری اسلامی ایران، ارائه خدمات اجتماعی را وظیفه خود دانسته و مستقل از دولت، به تأسیس و تشکیل نهادهای اجتماعی و خدماتی متنوعی برای ارائه خدمات به مردم لبنان به ویژه شیعیان پرداخته است. نهادهای خدماتی و اجتماعی مهم حزب الله نظیر جهاد سازندگی لبنان، بنیاد شهید، بنیاد جانبازان، کمیته امداد امام خمینی(جمعیت یاری رسان خیریه اسلامی، مؤسسه آموزشی و تربیتی اسلامی و ...، تحت تأثیر نهادهای جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته اند.

امام موسی صدر و شهید چمران قبل از انقلاب اسلامی به طور چشمگیری شیعیان لبنان را با تاسیس حرکت المحرومین و شاخه نظامی سیاسی آن یعنی امل سیاسی-تشکیلاتی کردند و با پیروزی انقلاب اسلامی این روند تقویت و تشدید شد(سند شماره ۷۳۶، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی).

نتیجه گیری

- انقلاب اسلامی ایران در ایران و منطقه خاورمیانه به دلیل جذابیت شعارها، اهداف، روشها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی و شرایط محیط منطقه ای و بین المللی، پدیده ای اثرگذار در جهان اسلام بود. این مایه های اثر بخش به طور طبیعی و یا ارادی و برنامه ریزی شده و از طریق کانالهایی چون ارگانهای انقلابی، سازمانهای رسمی دولتی و اداری، ارتباطات علمی و فرهنگی، مبادلات تجاری و اقتصادی، در کشورهای مسلمان بازتاب یافته و دولتها، ملتها، جنبشها و سازمانهای دینی و سیاسی را در آنجا با شدت و ضعف های مختلف متاثر ساخته است (حشمت زاده، ۱۳۸۶: ۲۸۹).

- انقلاب اسلامی ایران را می توان چهره ای جدید از قدرت قلمداد کرد که در برگزیده مؤلفه های فرهنگی، ایدئولوژیک، سیاسی و فکری بوده است؛ ارزش هایی نظیر مردم سالاری دینی و کمک های بشر دوستانه به نهضت های رهایی بخش و ارتقای توانمندی های علمی و فرهنگی در بطن و ماهیت انقلاب اسلامی است.

- امام خمینی (ره)، بنیان گذار انقلاب اسلامی ایران با استفاده از قدرت مردم و با تکیه بر ایمان و توکل به خدا و کمک مردم و تاکید بر مفاهیمی نظیر مستضعفان، جنگ بین فقیر و غنی، نبرد میان راحت طلبی و جهاد، بسیج اسلامی، سپاه پاسداران، نظم قدیم را از بین برد و نظم نوینی را در جهان معاصر حاکم کرد که منبع قدرت آن، ایمان توده های مردم است و در عین حال با دادن حق اعمال حاکمیت ملی و حق تعیین سرنوشت خود مردم به آنها، بر مسلمانانی که پیرو مکتب اهل بیت بودند، تأثیر فوق العاده و شگفتی گذاشت که حتی می توان ادعا کرد جایگاه شیعیان جهان را از حاشیه به مرکز ثقل تحولات جهان اسلام منتقل کرد.

- تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی به طور کلی و بر شیعیان لبنان به طور خاص، از همان زمان شکل گیری انقلاب اسلامی آغاز گردید. از سوی دیگر باید به این نکته نیز اشاره نمود که گسترش و سرایت یک پدیده به ویژه پدیده مهم انقلاب اسلامی، از مبدأ پخش به مقصد پخش ممکن است مدت ها به طول بینجامد. انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نبوده و تأثیرگذاری آن بر کشورهای اسلامی یک امر پایدار و دائمی بوده است. به عبارت دیگر، این تأثیرگذاری از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا زمان حاضر ادامه داشته است.

- در واقع حزب الله که نماد شیعیان لبنان است، بیش از هر گروه دیگری در لبنان، تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران قرار گرفته است که علاوه بر زمینه های مشترک موجود

بین ایران و لبنان ، انگیزه های دیگری موجب تأثیر شگرف شده است که از جمله آنها می توان پذیرش رهبری انقلاب اسلامی به عنوان رهبر دینی و سیاسی از سوی حزب الله و حمایت های معنوی، مالی و نظامی ایران از حزب الله را عنوان کرد. در بعد فرهنگی حزب الله شعارهایی را از انقلاب اسلامی به عاریت گرفته و سمبل های انقلاب اسلامی را سمبل خود می داند. این جنبش در بعد سیاسی هم ، به شدت از انقلاب اسلامی ایران تأثیر گرفته و رهبری انقلاب ایران را در دو بعد سیاسی و مذهبی و بر پایه ی اصل ولایت مطلقه فقیه پذیرفته است .



منابع

- احمدی ، بهزاد (۱۳۸۵)، *شیعیان لبنان و توسعه نفوذ اجتماعی*، پگاه حوزه .
- اسداللهی، مسعود (۱۳۷۹)، *از مقاومت تا پیروزی*، تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اندیشه سازان نور.
- العاملی، شیخ محمد بن الحسن الحر (بی تا)، *امل آلام*، تحقیق السید احمدالحسین، بغداد: مکتبه الاندلس، .
- المهاجر، جعفر (۱۹۹۲)، *التأسيس لتاریخ الشیعه فی لبنان و سوریه*، بیروت: دارالملاک.
- جرجیس، فواز. ای. (۱۳۸۵)، *آمریکا و اسلام سیاسی*، ترجمه سیدمحمدکمال مسوریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی،
- چمران، مصطفی (۱۳۶۲)، *لبنان*، تهران: بنیاد شهید چمران.
- حشمت‌زاده، محمد باقر (۱۳۸۶)، *تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر کشورهای اسلامی*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- حنفی، حسن (۱۳۷۶)، «اسلام سیاسی»، ترجمه محمدحسن معصومی ، *مجله‌ی حکومت اسلامی*، سال دو م، شماره اول، بهار، شماره پیاپی ۳.
- حیدر، عاکف (۱۹۹۵)، *الاشیاء باسمائها من اجل لبنان افضل*، بیروت: شرکت المطبوعات للتوزیع و النشر.
- خشان، هلال (۱۹۹۸)، *الاسلام والعصر الحديث*، بیروت: مرکز الاستشارات و البحوث،
- دعوتی، میر ابوالفتح (۱۳۵۲)، *مسلمین شیعه در لبنان*، تهران: انتشارات آثار بعثت.

- رابینوویچ، ایتمار (۱۳۶۸)، **جنگ برای لبنان**، ترجمه جواد صفایی و غلامعلی رجبی یزدی، تهران: نشر سفیر.
- روره، الیویه (۱۹۹۵)، **شکست اسلام سیاسی**، ترجمه عبدالکریم خرم، پیشاور: نشر مصطفی سحر.
- سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۹۸۵/۳/۱۹)، سند شماره ۶۷۹ به نقل از روزنامه لیبراسیون فرانسه.
- سوید، محمود (۱۳۷۹)؛ **جنوب لبنان در رویارویی با صهیونیست‌ها، پنجاه سال پایداری و مقاومت ترجمه مرکز تحقیقات و بررسی‌ها**، بیروت، تهران: آمن.
- سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سند شماره ۷۳۶، به نقل از بولتن وزارت امور خارجه.
- شراره، وضاح (۱۹۹۸)، **دولت حزب الله**، لبنان، مجتمعا اسلامیا، بیروت: دارالنهج، الطبعة الثالثة
- علیزاده (۱۳۶۸)، **فرهنگ سیاسی لبنان**، ترجمه محمد رضا گل‌سرخ‌ی و محمدرضا معماری، تهران: نشر سفیر.
- غریب، امل‌سعد (۱۳۸۴)، **دین و سیاست در حزب الله**، ترجمه غلامرضا تهامی، تهران: اندیشه سازان نور.
- فضل‌الله، حسن (۱۹۹۸)، **الخيار الآخر**، بیروت: دارالهادی، الطبعة الثانية.
- کمالین، محسن و رنجبر کرمانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶)، **عزت شیعه**، تهران: صحیفه خرد.
- گلی زواره، غلامرضا (۱۳۸۱)، «سیری در تاریخ و جغرافیای لبنان»، **مجله‌ی مکتب اسلام**، شماره ۶ و ۱۰
- مرادی، فرشته (۱۳۷۴)، **نگاهی به زندگی و مبارزات امام موسی صدر**، کتاب دانشجویی، تهران.
- میرباقری، یزدان (۱۳۸۲)، **حماسه مقاومت اسلامی در جنوب لبنان**، (پیروزی حزب الله بر ارتش اسطوره‌ای)، تهران: اندیشه سازان نور.
- نورتون، آگستوس ریچارد (۱۳۸۲)، **لبنان جدال داخلی و ارتباط با ایران، انقلاب ایران و بازتاب جهانی آن**، ترجمه محسن مدیر‌شانه‌چی، تهران: مرکز باز‌شناسی اسلام و ایران.
- نواب، محمد (۱۳۸۵)، «امت در حرکت (جهان معاصر و بیداری اسلامی)»، برگرفته از پایگاه مجلات تخصصی نور، **مجله سوره**، شماره ۲۷.

- هوبر؛ احمد (۱۳۷۰)، «دست آورد های انقلاب اسلامی در جهان امروز»، *مجله‌ی حضور*، شماره ۱، خردادماه.

- پیام انقلاب، ۱۳۵۸/۱۲/۲، ص ۸.

- شکویی، حسین (۱۳۶۴)، *جغرافیای کاربردی و مکتب های جغرافیایی*، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

-Associated Press, "World," Jan. 1, 2000 and "Supreme Leader: Iran Will Always Support Palestinian Nation, Resistance," Al Manar, Feb. 12, 2012, <http://www.almanar.com.lb/english/adetails.php?>

-Buheiri, M.R. (1981) "*Intellectual Life in the Arab-east 1890-1939*", Beirut .

-Fawaz, Leila Tazari. (1983) "*Merchants and Migrants in Nineteenth-Century Beirut*", Cambridge.

-Olmert, Joseph. (1987) "*The Shiites Of Lebanon*" In *Martin Kramer, Shiism Resistance and Revolution*", London : Menasell Publication.

-Palloni, Alberto 2007, "Theories and Models of Diffusion in Sociology"; *Center for Demography and Ecology University of Wisconsin, USA*

- Wright, robin, 2000, "*The last great revolution: Turmoil and Transformation in Iran*"; Knopf, New York